

بن‌بست اروپا

تصمیم پنتاگون برای تعلیق ارسال تسلیحات به اوکراین، یک یادآوری از ریشه دواندن یک ذهنیت شکست‌پذیرانه و خطرناک در دو سوی اقیانوس اطلس است، رهبران آمریکا و اروپا به‌خوبی می‌دانند که اوکراین از سال ۲۰۲۳، پس از آنکه حملاتش به پیشرفته قاطع منجر نشد، به‌تدریج در حال از دست دادن زمین در برابر روسیه بوده است. اکنون با کاهش کمک‌های نظامی آمریکا، این وظیفه رهبران اروپاست که به وعده‌های خود برای جلوگیری از پیروزی روسیه در جنگ تجاوزکارانه‌اش عمل کنند.

اگرچه هنوز بدترین سناریوها، مانند قطع کامل و فوری کمک‌ها پس از روی کار آمدن دولت جدید آمریکا، محقق نشده، اما واقعیت میدانی بسیار شکننده است. مذاکرات اخیر در استانبول آشکار ساخت که ولادیمیر پوتین هیچ علاقه‌ای به آتش‌بس ندارد. او با تکیه بر برتری عددی و تحمل تلفاتی که برای غرب غیرقابل تصور است، اطمینان دارد که می‌تواند اوکراین را وادار به تسلیم کند. پوتین می‌داند که دولت ترامپ قصد درخواست بودجه جدیدی برای اوکراین ندارد و تهدید به تحریم‌های بیشتر، با توجه به بی‌میلی واشنگتن در هدف قرار دادن دورزنندگان تحریم، برای او بی‌معنی شده است.

پوتین با شناسایی این فرصت، فشار نظامی بر اوکراین را حفظ کرده و عملیات تهاجمی خود را فراتر از دونباس به مناطق خارکیف، دنیپرو و سومی گسترش داده است. حملات گسترده روسیه با صدها پهپاد و موشک بالستیک به ام‌ری عادی تبدیل شده و پدافند هوایی اوکراین با ذخایر محدود و رو به کاهش خود، برای حفاظت از کشور در تقلا است؛ مشکلی که با توقف ارسال کمک‌های آمریکا و افزایش تقاضا برای همین تسلیحات در خاورمیانه، تشدید خواهد شد.

بدون حمایت آمریکا، به‌ویژه در ارسال سامانه‌های دفاعی هوایی، روسیه شهرهای اوکراین را در هم خواهد کوبید، تلفات غیرنظامی افزایش خواهد یافت و شبکه انرژی آسیب بیشتری خواهد دید. نیروهای اوکراینی نیز چاره‌ای جز واگذاری زمین‌های بیشتر نخواهند داشت و کرملین با فرسایش نیروها در خط مقدم، به دنبال یک پیشرفت بزرگ خواهد بود.

با این حال، هنوز برای جلوگیری از این سناریوی فاجعه‌بار دیر نشده است، مشروط بر آنکه اروپا فوراً ابتکار عمل را به دست بگیرد. انتظار برای تغییر نظر دولت ترامپ تنها به تأخیرهای مرگبار منجر می‌شود. اروپا باید به دو چالش رسیدگی کند: یکی کوتاه‌مدت و دیگری بلندمدت.

در کوتاه‌مدت، اروپا باید خلأ ناشی از توقف تسلیحات آمریکا را پر کند. اگرچه شرکت‌های دفاعی اروپا می‌توانند بخشی از نیازها را تأمین کنند، اما سیستم‌های کلیدی مانند پدافند هوایی تنها توسط ایالات متحده قابل ارائه است. به جای رویکردهای پراکنده و مودی، یک ائتلاف از کشورهای داوطلب باید با تعیین یک فرستاده اروپایی، منابع مالی را تجمیع کرده و یک خرید گسترده و یکپارچه را بر اساس نیازهای اوکراین به واشنگتن پیشنهاد دهد. مقیاس بالای این خرید، هم توجه شرکت‌های دفاعی آمریکا را جلب می‌کند و هم به پوتین نشان می‌دهد که اروپا قادر به اقدام مستقل است.

در بلندمدت، اروپا باید تسلیح اوکراین را پایدار سازد. برای این منظور، باید بالاخره تصمیم بگیرد که دارایی‌های مسدودشده روسیه را به‌طور کامل مصادره کند. با وجود ملاحظات حقوقی، این اقدام ریسک‌های قابل‌مدیریتی دارد و حمایت از اوکراین را از فشارهای سیاست داخلی و بودجه‌های ملی مصون می‌دارد. به همان اندازه مهم، کشورهای اروپایی باید با ساده‌سازی سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری، به تقویت پایگاه صنعتی -دفاعی خود اوکراین کمک کنند. سرمایه‌گذاری‌های هوشمندانه در برنامه‌های پهپادی و موشک‌های دوربرد بومی، مانند آنچه آلمان انجام می‌دهد، می‌تواند فشار بر عقبه‌های روسیه را حفظ کرده و قدرت بازدارندگی و مذاکره‌ای کی‌یف را در طول زمان تقویت کند.

طی ماه‌های گذشته، رهبران اروپایی مکرراً از واشنگتن پیام دریافت کرده‌اند که بار هزینه‌های دفاعی بیشتری بر دوش آن‌هاست. زمان امیدواری به‌بازگشت آمریکا به نقش سنتی خود به پایان رسیده است. رویکرد مدیریت بحران اروپا اکنون باید به یک تعهد بلندمدت برای در نظر گرفتن امنیت اوکراین به‌عنوان امنیت اروپا تبدیل شود. ناکامی در ادغام اوکراین در برنامه‌های دفاعی اروپا، خطرات را برای هر دو طرف به شدت افزایش خواهد داد و انتظار برای پایان جنگ جهت انجام این کار، یک گزینه نیست.



ارزیابی حوادث اخیر اقلیم کردستان عراق در گفت‌وگو با اردشیر پ

کودتایی که وجود خارجی نند



SETH HHH/GETTY IMAGES

تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و هم‌ثبات را از بین می‌برد.

✚ چرا این درگیری عسیره‌ای تا این حد مورد توجه قرار گرفت؟

اختلافات سیاسی عمیقی میان برخی نیروهای سیاسی و نظامی در عراق، نظیر حشدالشعبی با اقلیم کردستان وجود دارد. این اختلاف‌نظرها و تنش‌های سیاسی باعث شده تا در هفته‌های اخیر برخی جوسازی‌ها در دستور کار قرار گیرد. به‌طور مثال از یک سو، اقلیم کردستان و حزب دموکرات مرتبط با موساد معرفی شدند و در همین زمینه در گزارشی ادعا شد که اسلحه‌هایی که قرار بود آمریکا تحویل دولت عراق دهد با فشار موساد به اقلیم کردستان تحویل داده شد اما شواهد روشن کرد که از اساس این ادعا کذب بود. از دیگر سو یک خبرگزاری عرب عراقی درگیری محدود بین افرادی از دو عشیره کردستان را با آب و تاب و تحریف اخبار به یک جنگ بزرگ تعبیر کردند. متأسفانه با عدم آشنایی رسانه‌های داخلی (ایران) و نیز برخی وابستگی‌های رسانه‌ای با بغداد، آن اخبار با همان آب و تاب در ایران بازتاب یافت و یک درگیری محدود با عناوینی چون «کودتا در اربیل» یا «قیام در اربیل» بازتاب پیدا کرد و حتی باعث اشتباه برخی تحلیل‌گران سیاسی در داخل کشور نیز شد!

✚ اقلیم کردستان از انتخابات سال گذشته با چند دستگی و مشکلات زیادی روبه‌رو است. اصلی‌ترین مشکل این منطقه رادر حال حاضر چه می‌دانید؟

بله به‌رغم برگزاری انتخابات، هنوز دولت تشکیل نشده است. پس از درگذشت جلال طالبانی، اختلافات سیاسی میان دو حزب اصلی، یعنی حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان شدت یافته است. اگر توافقات میان این دو حزب، به‌ویژه توافقات راهبردی در زمینه‌ی روابط اربیل و بغداد، تشکیل دولت، و مناسبات داخلی اقلیم کردستان، با سرعت و سهولت بیشتری انجام می‌شد، این فرآیند طولانی و پیچیده نمی‌شد.

در حال حاضر، حدود نه ماه پس از انتخابات، هنوز دولت تشکیل نشده است. با این حال، پیش‌بینی می‌شود که تا پایان سپتامبر سال جاری، دولت اقلیم کردستان تشکیل شود. یکی از مسائل اصلی، نبود رابطه‌ی نزدیک میان جانشینان جلال طالبانی، یعنی بافل و قیاد طالبانی (فرزندان او)، با حزب دموکرات کردستان است؛ رابطه‌ای که در زمان جلال طالبانی وجود داشت.

از سوی دیگر، شاهد تغییراتی در آرایش دیپلماتیک اقلیم کردستان هستیم. در میان نیروهای اپوزیسیون، به‌ویژه جنبش گوران (که در دو انتخابات پیشین حزب سوم بود)، پس از درگذشت نوشیروان مصطفی، چنددستگی ایجاد شده است. همچنین، نفوذ منفی قدرت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه و

اختلافات سیاسی در اقلیم کردستان ریشه‌ای تاریخی دارد و بخشی از آن به رقابت طبیعی میان احزاب و بخشی دیگر به اختلافات بر سر قدرت بازمی‌گردد. این اختلافات بر انتخابات پارلمانی تأثیرات قابل توجهی داشته است. در دوره‌های اولیه‌ی پارلمان عراق فدرال، دو حزب اصلی کرد، در قالب یک لیست مشترک شرکت می‌کردند. اما در دو دوره‌ی اخیر، هر یک به‌صورت جداگانه در انتخابات شرکت کرده‌اند

✚ ریشه درگیری‌های اخیر در اقلیم کردستان چه بود؟ آیا مسئله یک درگیری میان دو عشیره بود یا باید آن رادر قالب تصویری بزرگتر دید؟

این درگیری میان گروه‌هایی از دو عشیره کرد در اقلیم کردستان، یعنی عشیره هرکی و عشیره گوران بوده و آنچه به عنوان جنگ قبیله‌ای در برخی رسانه‌ها با هدف تحقیر سیاسی اقلیم کردستان بازتاب یافت، صحیح نیست. عشیره‌ها بسیار بزرگ و گسترده هستند و این‌طور نبود که دو عشیره به‌طور کامل در مقابل هم قرار گیرند. آقای خورشید هرکی، یکی از اعضای بانفوذ عشیره هرکی با آقای مشیراقر رئیس ایل گوران بر سر قطعه زمینی در منطقه خبات اختلاف‌نظر داشتند. این اختلاف‌نظر پس از مدتی تبدیل به درگیری شد. وزارت داخلی و دادگستری اقلیم کردستان در این پرونده ورود کرده و با توجه به مستندات، حکم بازداشت خورشید هرکی را صادر کرد. نیروهای خورشید هرکی، در برابر این حکم بازداشت مقاومت می‌کنند و درگیری چند ساعته ادامه پیدا می‌کند و یک نفر نیز جانش را از دست می‌دهد. نهایتاً با دخالت رئیس اقلیم کردستان، طرفین کوتاه می‌آیند و آقای خورشید هرکی هم خود را تسلیم نیروهای اقلیم می‌کند. او مصاحبه‌ای هم می‌کند و در مصاحبه می‌گوید من و همه نیروهایم از پیش‌مرگه‌های اقلیم کردستان هستیم و خود را هم جان‌فدای مسعود بارزانی می‌نامد.

نکنه بسیار مهم این است که از دوره تأسیس عراق تا امروز در کل عراق و نه‌فقط در اقلیم کردستان، عشایر حضور و نفوذ سیاسی گسترده‌ای داشتند و دارند. همه عشایر هم مسلح هستند، هم نیروهای خاص خود را دارند و هم جغرافیای خاص خود را دارند. به عنوان نمونه، هفته گذشته، یک روز پیش از درگیری میان دو عشیره در اقلیم کردستان، یک درگیری با ابعاد بسیار بزرگ‌تر میان دو عشیره عرب در بغداد اتفاق افتاد. متأسفانه این یک معضل دیرین در عراق است که هم قانون را



ایران، رقابت میان آن‌ها، و دخالت‌های دولت مرکزی عراق، به افزایش اختلافات میان احزاب و گروه‌های مختلف دامن زده است.

این عوامل دست به دست هم داده‌اند تا تشکیل دولت در اقلیم کردستان با تأخیر مواجه شود. این تأخیر بر زندگی روزمره مردم نیز تأثیر گذاشته است. پارلمان اقلیم کردستان نیز حدود یک سال است که تشکیل جلسه نداده، اما به نظر می‌رسد طی چند هفته آینده پارلمان تشکیل خواهد شد و دولت جدید شکل خواهد گرفت.

✚ اختلافات داخلی میان احزاب اصلی به‌ویژه در آستانه انتخابات عراق تا چه اندازه می‌تواند بر آینده اقلیم اثر بگذارد؟

اختلافات سیاسی در اقلیم کردستان ریشه‌ای تاریخی دارد و بخشی از آن به رقابت طبیعی میان احزاب و بخشی دیگر به اختلافات بر سر قدرت بازمی‌گردد. این اختلافات بر انتخابات پارلمانی تأثیرات قابل توجهی داشته است. در دوره‌های اولیه‌ی پارلمان عراق فدرال، دو حزب اصلی کرد، یعنی حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان در قالب یک لیست مشترک شرکت می‌کردند. اما در دو دوره‌ی اخیر، هر یک به‌صورت جداگانه در انتخابات شرکت کرده‌اند. پیش‌بینی می‌شود در انتخابات آتی پارلمان عراق نیز این دو حزب لیست‌های جداگانه ارائه دهند. حزب نسل نو نیز به‌صورت مستقل عمل خواهد کرد، اما احزاب اسلام‌گرا و برخی دیگر از احزاب اپوزیسیون ممکن است لیست مشترکی تشکیل دهند. این روند در مناسبات قدرت امری طبیعی است. در زمینه مناسبات قدرت، باید دید که حزب دموکرات و اتحادیه میهنی چگونه مسیر نزدیکی به یکدیگر را طی خواهند کرد. در دو دوره‌ی گذشته، حزب دموکرات معمولاً از جریان‌های نزدیک به مقتدی صدر در بغداد حمایت کرده، در حالی که اتحادیه میهنی به جریان‌های نزدیک به چارچوب هماهنگی (ائتلاف شیعی) گرایش داشته است. تحولات اخیر منطقه، به‌ویژه کاهش نفوذ ایران، می‌تواند بر آرایش سیاسی و توافقات میان احزاب کرد تأثیر بگذارد.

✚ مشکلات اقتصادی اقلیم با سیاست‌های فعلی قابل رفع هستند یا نیاز به تجدیدنظر جدی در سیاست‌های اقتصادی وجود دارد؟

یکی از مشکلات اصلی اقلیم کردستان، مسائل اقتصادی است که بخش مهمی از آن به قطع بودجه توسط دولت مرکزی عراق از سال ۲۰۱۴ بازمی‌گردد. اختلافات اساسی در تفسیر قانون اساسی عراق (تصویب‌شده در سال ۲۰۰۵) میان اقلیم کردستان و دولت مرکزی وجود دارد. اقلیم کردستان معتقد است که عراق یک دولت فدرال و مشارکتی است و مفهوم «دولت مرکزی» در آن جایی ندارد. طبق قانون اساسی، اگر دوسوم اعضای شورای استانی هر استان خواستار فدرالی شدن باشند، دولت موظف به اجرای آن است. با این حال، از سال ۲۰۰۵ تاکنون،